Review article (Narrative Review)

Moral Responsibility in Punishments Related to Children

A. Tamini Lichaei[1], A. Arab Khazaeli Ph.D.[2]•, S A. Hosseini Moghadam Ph.D.[2]

1. *Ph.D. Student in Theology-Jurisprudence and Fundamentals of Islamic law, Sari Branch, Islamic Azad University, Mazandaran, Iran.*
2. *Department of Theology- Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Mazandaran, Iran.*

Abstract

Background: The limits and manner of punishment are not the same for all people, and the question has always been raised whether it is possible to determine a punishment for a child in terms of moral responsibility or not? The present research has studied the precise concept of the term child and has examined the moral responsibility in punishments related to children in detail.

Conclusion: The legal and moral infrastructures for punishing children are determined according to their age, psychological development and understanding. The main goal for children should be to educate, nurture and rehabilitate appropriate behavior so that they can be taught moral values and responsibilities. The punishments applied to children should be fair, measured and deal with children's rights. At the same time, cases where crimes are committed against the law and children are also responsible may require corrective measures. In any case, it is very important to pay attention to children's rights and provide a healthy and safe environment for their growth and development.

Key words: *Moral responsibility, Punishment, Delinquent children*

***Corresponding Author**: Arab Khazaeli A. Department of Theology- Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Sari Branch, Islamic Azad University, Mazandaran, Iran. Email: arabkhazaeliabbas@gmail.com

How to cite: Tamini Lichaei A, Arab Khazaeli A, Hosseini Moghadam SA. Moral responsibility in punishments related to children. Ethics in Science and Technology. 2025,19(4): 33-39.

Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.5]
Vol. 19, No. 4, 2025
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

مقاله مروری (مروری توصیفی)

مسئولیت اخلاقی در مجازات‌های مرتبط با اطفال

علی تامینی لیچائی[۱]، دکتر عباس عرب خزائلی[۲]*، دکتر سیدعسکری حسینی مقدم[۲]

۱.دانشجوی دکتری الهیات-فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران.

۲.گروه الهیات-فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، مازندران، ایران .

(تاریخ دریافت:۱۴۰۲/۰۸/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲)

چکیده

زمینه: حدود و نحوه اجرای مجازات در خصوص همه افراد یکسان نیست و همیشه این پرسش مطرح بوده است که آیا می‌توان از لحاظ مسئولیت اخلاقی برای طفل مجازاتی تعیین کرد یا خیر؟ پژوهش حاضر به مفهوم‌شناسی دقیق واژه طفل پرداخته و مسئولیت اخلاقی در مجازات های مرتبط با اطفال را به تفصیل مورد بررسی قرار داده است.

نتیجه‌گیری: زیرساخت‌های حقوقی و اخلاقی برای مجازات کودکان متناسب با سن، توسعه روانی و قابلیت فهم آنها تعیین می‌شود. هدف اصلی در مورد کودکان باید آموزش، تربیت و بازسازی رفتار مناسب باشد تا به آنها بتوان ارزش‌ها و مسئولیت‌های اخلاقی را آموخت. مجازات‌هایی که برای کودکان اعمال می‌شود، باید منصفانه، اندازه‌گیری شده و با رعایت حقوق کودکان برخورد کنند. در عین حال، مواردی که به خلاف قوانین جرم ارتکاب می‌شود و کودکان نیز مسئول هستند، ممکن است نیاز به اقدامات اصلاحی داشته باشد. در هر صورت، توجه به حقوق کودکان و تامین محیطی سالم و ایمن برای رشد و تحول آنها بسیار حائز اهمیت است.

کلیدواژگان: مسئولیت اخلاقی، مجازات، اطفال بزهکار.

سرآغاز

در اسناد بین‌المللی این نگرش وجود دارد که در برخورد و رفتار با کودکی که در مقابل قانون قرار گرفته است باید امکان بازپروری کودک و تقبل نقشی سازنده در جامعه از سوی وی مد نظر قرار گیرد (ماده ۴۰/۱ پیمان نامه حقوق کودک) و به همین دلیل است که پیمان‌نامه حقوق کودک[۱]، محدودیت های خاصی از جمله ممنوعیت صدور حکم اعدام و حبس ابد بدون امکان عفو را در زمینه محکومیت نوجوانان ملحوظ می‌دارد و همچون مقررات پکن در ماده ۳۷ خود اعلام می‌دارد که «... بازداشت یا حبس کودک باید صرفاً به عنوان آخرین اقدام ممکن به کار گرفته شود و دوره آن حتی‌الامکان کوتاه باشد.» همچنین ماده ۵ مقررات پکن تلویحاً به اجتناب از مجازاتهای صرفاً تنبیهی برای نوجوانان تاکید کرده و مقرر داشته است که «نظام دادرسی نوجوانان بر رفاه نوجوانان تاکید خواهد داشت.» لذا اسناد بین‌المللی در مورد بزهکاری اطفال[۲] و نوجوانان واکنشی را در نظر دارند که:

اولاً از طریق کمک به کودک باعث تشویق متخلف به تغییر روش خود شود تا کودک یا نوجوان احساس کند که پاسخگوی اعمال خویش بوده و مضافاً تاثیر اعمال خود بر دیگران را درک کند.

ثانیاً باعث باز پروری و نه بیگانگی متخلف از اجتماع شود و تا حد امکان از قرار گرفتن وی در معرض واکنشهای صرفاً تنبیهی از جمله محرومیت از آزادی اجتناب کرده و به راه حلهای سازنده مبتنی بر بازگشت وی به جامعه، اهمیت ویژه ببخشد(۱). ایران کشوری جوان و جمعیت کودک و نوجوان آن بسیار است. تدوین نظام دادرسی جدید برای افراد مذکور بر مبنای قواعد و مقررات بین‌المللی ضروری می‌باشد. هدف نظام دادرسی[۳] نوین ان است که نحوه رفتار با طفل را در همه مراحل اعم از کشف جرم، رسیدگی و اجرا پیش بینی کند و متناسب با شخصیت آسیب پذیر[۴] و حساس طفل باشد(۲). بدین ترتیب، در این نوشتار در پرتو مباحث مطرحه درباره مسئولیت اخلاقی[۵] در مجازات‌های مرتبط با اطفال و انواع مجازاتهای جایگزین، شرایط و نحوه اجرا، مزایا و معایب و سایر مسائل پیرامون آنها مورد مطالعه قرار خواهد گرفت .

بحث

مسئولیت اخلاقی چه معنا و مفهومی دارد؟

واژه «مسئولیت»، براساس آنچه که در عرف مصطلح است، معنای عهده دار بودن بودن کار و عملی را می دهد؛ اما آن چیزی که بیشتر در

نویسندهٔ مسئول: نشانی الکترونیکی : arabkhazaeliabbas@gmail.com

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.5]

مقاله مروری (مروری توصیفی)

ذهن تداعی شده و به نظر مفهومی صحیح تر را بیان می کند، معنایی است که از ریشه لغوی مسئولیت گرفته می شود: مسئولیت از ریشه "سأل" گرفته شده و هم ریشه با واژه "سوال" بوده و مفهوم خواستن و پرسشگری در قبال انجام یا عدم انجام عملی را به ذهن متبادر می کند. با این وجود و با توجه به به تعریف فوق، به نظر می رسد مسئولیت مفهوم یگانه و ساده ای را در بر دارد؛ اما هنگامی که به صورت اختصاصی تر وارد مقوله شناخت مسئولیت شده و شاخه های مختلف آن، اعم از مدنی، کیفری، اخلاقی و... را بررسی می کنیم، دیگر با یک تعریف واحد مواجه نیستیم و به تعاریفی متعدد برمی خوریم که هریک سعی کرده اند بهترین شرح و توضیح را از مفاهیم مورد نظر بیان کنند(۳).

در فلسفه، مسئولیت اخلاقی عبارت است از وضعیتی که مستحق ستایش، سرزنش، پاداش یا مجازات برای یک فعل یا ترک فعل مطابق با الزامات اخلاقی[۶] است. تصمیم‌گیری در مورد آنچه (در صورت وجود) به عنوان «اخلاقی واجب» به حساب می‌آید یکی از دغدغه‌های اصلی اخلاق در فلسفه است(۳).

فیلسوفان به افرادی که مسئولیت اخلاقی در قبال یک عمل را بر عهده دارند، به عنوان عاملان اخلاقی یاد می‌کنند. عاملان اخلاقی این توانایی را دارند که در مورد موقعیت خود تأمل کنند، در مورد نحوه عمل خود نیت ایجاد کنند و سپس آن عمل را انجام دهند. مفهوم اختیار به موضوع مهمی در بحث در مورد اینکه آیا افراد همیشه از نظر اخلاقی مسئول اعمال خود هستند و اگر چنین است، به چه معنایی «مسئول» هستند تبدیل شده‌است. ناسازگارگرایان، جبرگرایی[۷] را در تضاد با اراده آزاد می‌دانند، در حالی که سازگارگرایان فکر می‌کنند این دو می‌توانند در کنار هم وجود داشته باشند(۴).

مسئولیت اخلاقی لزوماً مساوی با مسئولیت قانونی[۸] نیست. زمانی که یک سامانه حقوقی مسئول مجازات آن شخص به خاطر رویدادی باشد، شخص از نظر قانونی مسئول یک رویداد است. اگر چه اغلب ممکن است این مورد اتفاق بیفتد که وقتی شخصی از نظر اخلاقی مسئول عملی است، از نظر قانونی نیز مسئول آن عمل باشد، اما این دو حالت همیشه برهم منطبق نیستند.(۵)

مسئولیت اخلاقی در رابطه با کودکان

مسئولیت اخلاقی با مفروض گرفتن شرایط عمل (مانند اختیار، مسئولیت علی، قابلیت) به پاسخگویی، شایستگی[۹]، سرزنش یا ستایش عامل اخلاقی اشاره دارد. برای مثال بگوییم که شخصی مسئول یک عمل است به این معناست که بگوییم که شخص مذکور مسئول آن عمل است و او را سرزنش یا مجازات کنیم. این معنا از مسئولیت اخلاقی دارای حکم هنجاری است و به معنای خوب و مطلوب (آنچه باید طلب شود) است.

طفل در لغت به بچه انسان، پیش از بلوغ یا انسان نابالغ گفته می‌شود اما در اصطلاح اخلاقی، طفولیت در برگیرنده دورانی است که از اوان خردسالی شروع و در زمانی که فرد، واجد شخصیت اخلاقی[۱۰] و اجتماعی می‌شود و از لحاظ جسمی و روانی نضج می‌گیرد، پایان می‌یابد(۶). از دیدگاه جرم‌شناسی، طفل یا نوجوان بزهکار، فردی است که شخصیت وی در حال شکل گیری بوده و در جریان اجتماعی شدن است؛ در حالی که شخصیت بزهکار[۱۱] بزرگسال، قبلاً شکل گرفته و چندان در خور تحول نیست(۷). تعریف طفل و تعیین حد سنی او در قوانین کشورهای مختلف جهان، از دیرباز تاکنون متغیر بوده است و در حال حاضر نیز در کشورهای مختلف، عموماً از ۷ تا ۱۷ سال متفاوت است(۱).

از نظر اسناد بین‌المللی، برابر ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک «منظور از کودک، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ، کمتر تشخیص داده شود». بنابراین طبق این ماده کنوانسیون، تشخیص کودک، بستگی به قوانین داخلی هر کشوری دارد.

در حالی که کنوانسیون حقوق کودک، اصلاح «طفل» را به کار برده، در اسناد بعدی از اصطلاح «نوجوان» استفاده شده است. بند دوم ماده ۲ مقررات بیژینگ، نوجوان را چنین تعریف می‌کند: «نوجوان، کودک یا فرد جوانی است که در نظام حقوقی خاص، ممکن است به نحوی با او رفتار شود که متفاوت از نحوه رفتار با بزرگسالان باشد». مقررات بیژینگ، حد سنی را برای نوجوان تعیین نکرده است اما بند اول ماده ۱۱ مقررات سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی، اصطلاح نوجوان را چنین تعریف کرده است: «هر شخص زیر ۱۸ سال نوجوان نامیده می‌شود.» لذا اگرچه در اسناد بین‌المللی، الفاظ مختلفی به کار رفته، لیکن با عنایت به تعاریف یاد شده، مقررات اسناد سازمان ملل متحد در این خصوص، مربوط به افراد تا ۱۸ سال است(۸). در ایران، به تبعیت از ضوابط فقهی، در ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی آمده است «اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبری از مسئولیت کیفری[۱۲] هستند...». تبصره ۱ همین ماده اشعار می‌دارد «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. » و برابر تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی «سن بلوغ در پسر، ۱۵ سال تمام قمری و در دختر، ۹ سال تمام قمری است.» لذا در قانون مجازات اسلامی، مسئولیت جزایی با دو خصیصه احراز می‌شود. اول، جنس و دوم، سن اختصاص یافته به هر جنس. همچنین عنوان کودک و نوجوان با یک عبارت کلی و عام به دو صیغه تعبیر می‌شود و جداسازی کودکان و نوجوانان، در قوانین فعلی ما موجود نیست(۹اما تبصره ۱ ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاههای عمومی و انقلاب در بحث ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال نیز بر تعریف طفل در قانون مجازات اسلامی و تعیین حد بلوغ شرعی برای پایان دوره طفولیت تاکید کرده است. لیکن تبصره ماده ۲۲۰ اعلام می‌دارد که به کلیه جرایم اشخاص بالغ زیر ۱۸ سال نیز در دادگاه اطفال، طبق مقررات عمومی بزرگسالان رسیدگی خواهد شد. در پیش‌نویس قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان که در حال حاضر در قوه قضائیه در دست بررسی است هم مجدداً در ماده ۲ به تعریف مذکور، از طفل تکیه شده است. در این پیش نویس، لفظ «نوجوان» نیز مکرراً در کنار طفل

فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نوزدهم، شماره ۴، ۱۴۰۳

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.5]

به کار رفته است و در ماده ۹ هم اعلام شده که به کلیه جرایم اطفال و نوجوانانی که سن آنها بیش از ۹ سال و کمتر از ۱۸ سال تمام خورشیدی است در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. لذا بر اساس این پیش نویس، افراد ذکور ۱۵ تا ۱۸ ساله و اناث ۹ تا ۱۸ ساله نوجوان نامیده شده‌اند.

بنابراین با توجه به مقررات بین‌المللی و نیز سیاست جنایی جدید ایران که با توجه به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۷۸ و پیش نویس فوق، رفتار خاصی را در قبال افراد تا ۱۸ سال سن در پیش گرفته‌اند. ما نیز در این نوشته، هر جا از اطفال و نوجوانان، سخن می‌گوییم منظور افراد زیر ۱۸ سال است.

بزهکاری اطفال و طفل بزهکار

در نظام اخلاقی[۱۳] و حقوقی براساس ویژگی تکلیف پذیری انسان، هرکس در مقابل انجام اعمال و رفتار خود اعم از فردی و اجتماعی پاسخگو و مسئول خواهد بود. این مسئولیت پذیری و تکلیف تا جایی است که هرگونه رفتار و اعمال آدمی به طور دقیق محاسبه و ارزیابی می‌شود و انسان باید پاسخگو باشد.

از این رو بحث مسئولیت اخلاقی بر پایه وجود تکلیف تحلیل می‌شود و تا کسی مکلف نباشد، مسئولیت هم نخواهد داشت و خمیرمایه مسئولیت برخورداری از شرایط عامه تکلیف است.

بزهکاری اطفال از دیرباز مورد توجه متخصصین حقوق جزا و روان‌شناسان کیفر و متخصصین اخلاق بوده است. ریشه بزه‌کاری اطفال را فقر، فقدان تعلیم و تربیت صحیح، اختلاف بین والدین، بی سوادی، بی کاری، ولگردی و... ذکر کرده‌اند که بررسی آن‌ها از موضوع این بحث خارج است.اما آنچه در این قسمت قابل بررسی است، آن است که مسئولیت کیفری اطفال از چه سنی شروع می‌شود؟ و اگر کودکی مرتکب جرمی شد، چه گونه باید مجازات شود؟

کودک از نظر حقوقی بر دو نوع است:

۱- کودک غیر ممیز و آن معمولاً تا سن هفت سالگی است؛ زیرا تا این سن کودک ناممیز است و تشخیص صلاح و فساد و خیر و شر را نمی دهد و خوب و بد را از هم باز نمی شناسد.

۲- کودک ممیز و آن کسی است که به طور اجمال از دادوستدها و خرید و فروش‌ها و معاملات سر در بیاورد؛ به نحوی که بتواند درک کند. فروختن مستلزم آن است که کلاً از ملک فروشنده بیرون رفته و به ملک خریدار منتقل شود. وقتی کودک به سن هفت سالگی رسید در آستانه تشخیص و تمیز پاگذارده و هر چه بزرگ‌تر می‌شود رشد و درک او از حقایق و وقایع اطرافش بیشتر می‌گردد.

مطابق ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰: هر گاه کودکی اعم ازممیز یا غیر ممیز مرتکب جرمی شود، از مسئولیت کیفری مبری بوده و نمی توان او را به مجازات عمل ارتکابی محکوم نمود.

در صورتی که کودک خطاکار غیر ممیز باشد به علت فقدان قوه‌ی شعور و تشخیص نیک از بد، هیچ نوع تصمیمی در مورد او گرفته نمی شود. فقط دادگاه او را تحویل سرپرست داده و تأکید بر لزوم تربیت وی می‌نماید. در صورتی که کودک فاقد سرپرست بوده یا سرپرست او صلاحیت نداشته باشد، فرضاً پدری به اتفاق فرزندش مبادرت به سرقت از منزلی کند و هر دو دستگیر شوند، در این مورد تحویل اطفال به سرپرست قانونی عملی بی معنی است و می‌بایستی در صورتی که مصلحت کودک اقتضاء نماید، او را برای مدتی که دادگاه معین می‌کند به کانون اصلاح و تربیت اعزام داشت تا در آنجا ارشاد گردد. ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی در این خصوص مقرر می‌دارد: «اطفال در صورت ارتکاب جرم مبری از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان به نظر دادگاه به عهده‌ی سرپرست اطفال و عندالاقتضاء کانون اصلاح و تربیت اطفال است». هر گاه کودک خطاکار ممیز باشد یعنی به سنی رسیده باشد که نوعاً و به طور متعارف بتواند تشخیص خیر از شر دهد، دادگاه علاوه بر آن که سرپرست قانونی کودک را ملزم به تربیت او می‌نماید، حق دارد او را نیز تعزیر کند.

تعزیر طبق تعریف ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، عبارت از تأدیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که بایستی از تعداد حد کمتر باشد. در برخی از جرایم، تعزیر کودک اجباری است و دادگاه مکلف است که برای کودک خطاکار ممیز، حتماً مجازاتی به عنوان تعزیر در نظر بگیرد؛ مانند قذف که اگر کودکی مرتکب آن شود، می‌بایستی تعزیرشود. ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «... هر گاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند، به نظر حاکم تأدیب می‌شود...» در مورد فوق نوع و میزان تعزیر کاملاً بستگی به نظر دادگاه دارد. اما گاهی اوقات قانون نوع تعزیر را هم معین می‌کند مانند لواط ماده ۱۱۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر گاه مرد بالغ و عاقلی با نابالغی لواط کند، فاعل کشته می‌شود و مفعول اگر مکره نباشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود.» همچنین طبق ماده ۱۱۳ قانون فوق الذکر: «هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود، مگر آن که یکی از آن‌ها مکره باشد.» در این حالت چون مجازات معینه برای نابالغ (کودک) کمتر از حداقل است، بنابراین جنبه‌ی تعزیر دارد و دادگاه مکلف است بر آن مبنا کودک را محکوم کند.

در مورد برخی از جرایم نیز دادگاه می‌تواند، در صورتی که مصلحت طفل اقتضاء کند، فقط او را تحویل سرپرست قانونی داده و از او برای تربیت و نگهداری طفل تعهد بگیرد.

به موجب تبصره‌ی ۲ ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، هرگاه برای تربیت اطفال بزه‌کار، تنبیه بدنی آنان ضرورت پیداکند، تنبیه بایستی به میزان و مصلحت باشد. تعیین میزان و مصلحت، بر عهده دادگاه است و به هر حال ضربه باید به حدی ملایم باشد که اثری اعم از کبودی یا خون مردگی یا خون ریزی از خود باقی بگذارد(۱۰). از نظر مقررات داخلی جمهوری اسلامی ایران، برابر اصول قانون اساسی (اصول ۳۶ و ۳۷) و قوانین عادی (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) جرم زمانی واقع می‌شود که فرد، مرتکب فعل یا ترک فعل پیش بینی شده در قانون گردد. از طرفی هم، قانون داخلی ما، عمل معینی را به عنوان جرم ارتکابی کودکان معرفی نکرده است. بنابراین جرایم ارتکابی آنها از نظر

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.5]

قانون ما، همان جرایمی است که به طور معمول، بیان شده است پس «بزهکاری اطفال» در حقوق کیفری ایران، به ارتکاب اعمال مجرمانه پیش بینی شده در قانون توسط اطفال، تعریف خواهد شد.

در سطح بین‌المللی دومین کنگره سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۰ به منظور درمان و پیشگیری از جرایم اطفال بزهکار، توصیه کرد که: «عبارت نوجوان بزهکار را بدون علت و محدودیت به کار نبریم و هر طفلی که قاعده و دستوری را می‌شکند و یا رفتارش چنان است که جنبه حمله و پرخاشگری دارد را نباید بزهکار به حساب آوریم.» (۱۱). اما اصطلاحات به کار رفته در خود اسناد بین‌المللی در این خصوص، یکنواخت نیستند. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ بزهکاری اطفال و نوجوانان را صریحاً تعریف نکرده است. اما می‌توان آن را از متن مواد مندرج، استخراج کرد. قسمت الف بند دوم از ماده ۴۰ این کنوانسیون، بزهکاری را در صورتی مسلم و ثابت دانسته که اولاً اعمال ارتکابی صغیر، قبل از انجام آن منع گردیده باشد و ثانیاً در قسمت بعد، مقرر کرده است که «تا زمانی که جرم، وفق قانون، ثابت نشود بی‌گناه شناخته شود.» پس بزهکاری برابر مقررات این کنوانسیون، زمانی به وقوع می‌پیوندد که عمل ارتکابی، قبلاً توسط قانون، منع شده باشد. اما راهبردهای ریاض، در حالی که قویاً نسبت به کاربرد واژه «بزهکار» برای توصیف افراد جوان، هشدار می‌دهد کراراً و نه صرفاً در عناوین، از واژه «بزهکاری» در کل پدیده اعمال جوانان استفاده می‌کند. بالاخره تدوین کنندگان مقررات پکن به جای بزهکار، اصطلاح «متخلفین جوان» را به کار گرفته‌اند و در تعریف این اصطلاح آورده‌اند: «کودک یا شخص جوانی است که متهم به ارتکاب... یک عمل خلاف است».

اسناد بین‌المللی درمورد مسئولیت اخلاقی و حقوقی در مجازات‌های مرتبط با اطفال

بر اساس اسناد بین المللی زیرساخت‌های حقوقی و درجه مسئولیت اخلاقی برای مجازات کودکان متناسب با سن، توسعه روانی و قابلیت فهم آنها تعیین می‌شود. از این رو در برخورد با کودکان بزهکار غالبا مجازاتهای زیر اعمال می شود:

مجازات‌های شفاهی[۱۴] : قاضی دادگاه اطفال در بسیاری کشورها از اختیار اتخاذ تصمیماتی با نام «مجازاتهای شفاهی» یا «سرزنش و نصیحت» در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار برخوردار است؛ لذا سرزنش و نصیحت می‌تواند یک کیفر باشد که البته در بعضی موارد دارای جنبهٔ تربیتی و دربرخی موارد بیشتر تأدیبی است. قانون سوئیس، سرزنش را در عداد کیفر می‌شمارد.در اغلب کشورها، سرزنش در ردیف اقدامات تربیتی است. در بعضی ممالک مانند آلمان، سرزنش را اصطلاحاً اقدام تأمینی می‌نامند(۱۲). ولی این تفکیک، حائز اهمیت نیست؛ زیرا در هرصورت، قاضی خطاب به بزهکار به او اخطار می‌کند که نسبت به قانون، تخلف کرده و این تخلف بزهکار، کتباً یا شفاهاً مورد حکم دادگاه قرار می‌گیرد و در برخی موارد، جنبهٔ کیفر خفیف و در بعضی موارد، جنبهٔ تربیتی بیشتر پیدا می‌کند. قاضی در مواردی که این امر را به عنوان واکنش مورد نظر اتخاذ می‌کند باید با سنجش هر مورد خاص، آن را به نحوی مفید، ابلاغ و اجرا نماید. البته در هر صورت، تشخیص مصلحت و مفید بودن این امر با بررسی جمیع جهات باقاضی اطفال است.

حکم حضور در مرکز مراقبت: حکم حضور در مرکز مراقبت یکی از احکامی است که به عنوان آلترناتیو می‌تواند جایگزین حبس و مجازات سالب آزادی در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار گردد. صدور این حکم، خصوصاً در دادگاههای ویژه اطفال در انگلستان رایج است. مطابق این حکم، طفل باید در زمانهای اعلام شده در مراکز مراقبتهای محلی حضور یافته و خود را معرفی نماید. جمع مدت این مجازات، ۱۲ ساعت است که معمولاً بعدازظهرهای روز شنبه به طور یک هفته در میان از یک ساعت تا سه ساعت، آن را اعمال می‌کنند. مجازات حضور در مرکز مراقبتی می‌تواند بر متخلفین در سنین بین ۱۰ تا ۲۱ سال اعمال شود. حداکثر مجازاتی که می‌تواند تعیین گردد، عبارت است از: برای ۱۰ تا ۱۳ سال دوازده ساعت، برای سنین ۱۴ تا ۱۶ سال، ۲۴ ساعت و برای سنین ۱۷ تا ۲۱ سال، ۳۵ ساعت. اگر متخلف در اوقات تعیین شده، حضور نیابد، او را به دادگاه بر می‌گردانند و مجازات دیگری را برای او تعیین می‌نمایند. در سال ۱۹۹۳ تقریباً به طور میانگین، ۵۳۰۰ حکم حضور در مراکز مراقبت صادر گردیده است(۱۳).

مراقبت با دستگاه الکترونیک[۱۵] : در این روش، دادگاه به جای سلب آزادی محکوم بزهکار از طریق فرستادن وی به زندان، آزادی رفت و آمد او را به شکل دیگری محدود می‌نماید. بدین ترتیب که دادگاه، محدوده‌ای را که طفل می‌تواند رفت و آمد کند، تعیین می‌نماید و التزام طفل به این شرایط و عدم تخلف وی با دستگاه های الکترونیکی، کنترل و مراقبت می‌گردد. این روشها در کشورهای پیشرفته‌ای همچون ایتالیا، آمریکا، استرالیا و ژاپن اجرا می‌شود(۱۴). در این روش، ابزارهای الکترونیکی، دور مچ یا گردن محکوم بسته می‌شود که این دستگاهها علامت‌هایی را به مرکز کنترل می‌فرستند و محل حضور محکوم را مشخص می‌نمایند. به این ترتیب، محکوم در ساعاتی از روز، حق خروج از منزل را ندارد و به برخی از نقاط شهر نیز نمی تواند رفت و آمد کند و... دربرخی سیستم ها، مچ بند الکترونیکی، علامتی را به یک شماره‌گیر متصل به تلفن منزل بزهکار می‌فرستد که به محض خروج بزهکار از محدوده مقرر، علامت، قطع شده و شماره گیر به طور خودکار با مرکز مراقبت، تماس حاصل می‌نماید. این نوع نظارت، نظارت الکترونیکی منفعل است. در نظارت الکترونیکی فعال، علاوه بر موارد فوق، مامور مراقبت و یا رایانه خودکار به طور مستمر و اتفاقی با منزل بزهکار، تماس برقرار می‌نماید تا از عدم تخلف وی، اطمینان حاصل شود. نظارت الکترونیکی با توجه به اینکه بر اثر توسعه علوم و فنون پیشرفته مهندسی الکترونیک و کامپیوتر به وجود آمده است، یکی از جدیدترین جایگزینهای زندان است و قدمت آن به پایان دهه ۱۹۸۰ بر می‌گردد. ظاهراً نخستین مورد استفاده از نظارت الکترونیکی، مربوط به سال ۱۹۸۴ بوده است(۱۵). البته این روش در بیشتر کشورها در مورد مرتکبین جرایم سنگین به کار نمی‌رود؛ همچنین در مورد مجرمینی که برای جامعه، خطرناک تشخیص داده شوند و یا بزهکاران خشن و

مقاله مروری (مروری توصیفی)
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نوزدهم، شماره ۴، ۱۴۰۳
[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.5]
[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

سرکش، این روش قابل اعمال نیست. امتیازاتی که برای این روش شمرده شده عبارتند از: ۱) صرفه جویی در هزینه زندان. ۲) کاهش جمعیت زندانها. ۳) عدم خروج بزهکاران از اجتماع، خصوصاً جدا نشدن اطفال و نوجوانان از خانواده خود. ۴) دوری از مفاسد زندان در مورد بزهکار. اما معایبی نیز بر این مجازات وارد است: ۱- اگرچه این روش در دراز مدت از هزینه اقتصادی دولت جهت نگهداری زندانیان می‌کاهد، لیکن راه‌اندازی اولیه آن بودجه کلانی می‌طلبد و ضمناً در بسیاری کشورها به جهت عدم پیشرفت تکنولوژی، قابل اجرا نیست. ۲- دستگاههای الکترونیکی نظارت، هنوز هم دارای مشکلات فنی هستند. برخی محکومین با دستکاری در این دستگاهها مرتکب تخلف شده و در حال ارتکاب جرم، دستگیر شده‌اند، در حالی که دستگاه نشان می‌داده که ایشان در منزل هستند. حتی برخی مچ بندها رامی توان به راحتی از مچ باز کرد، بی آنکه علامت هشدار دهنده، فعال شده باشد. ۳- نظارت الکترونیکی در قبال مجرمی که تصمیم به تکرار جرم می‌گیرد و در مورد احتمال دستگیر شدن خود فکر نمی‌کند، مانعی محسوب نمی‌شود (۱۵).

استفاده از زندان های باز : هرگاه نگهداری طفل یا نوجوان در محیط آزاد امکان پذیر نباشد، لکن وضعیت و کیفیت ارتکاب جرم، ایجاب نماید که طفل از محیطی که در وقوع جرم موثر بوده دور باشد، دادگاه یا مقام صلاحیتدار پس از بررسی دقیق پرونده شخصیت، تفکیک و طبقه بندی سنی، نوع حرفه‌ای که باید محکوم بیاموزد و یا رشته‌ای که باید آموزش ببیند، حکم نگهداری در موسسات باز کشاورزی یا صنعتی یا آموزشی را صادرمی کند.

کیفرهای پایان هفته‌ای : کیفرهای پایان هفته ای، نوعی سلب آزادی از محکوم به طور محدود و در زمان مشخص است. در کیفرهای حبس پایان هفته ای، محکوم مجازات خود را به دفعات مستمر در دو روز پایان هفته (در کشورهای مسیحی از جمعه شب تا صبح دوشنبه) تحمل می‌کند و در روزهای کاری هفته به دنبال زندگی معمولی خود می‌رود. برخی از دانشمندان علوم جنایی از این شیوه اجرای مجازات که به ویژه در بلژیک مقررات دقیقی برای آن وضع شده است به تعطیلات کیفری پایان هفته‌ای تعبیر کرده‌اند(۱۶). این کیفر در کشور آلمان نیز رایج است(۱۷). در آلمان، اگرچه این روش برای بزرگسالان نیز اجرا می‌شود لیکن استثنائی است و این روش با عنوان «توقیف جوانان» معروف بوده و اصولاً برای بزهکاران نوجوان و جوان ایجاد شده است(۱۸). بدین ترتیب، محکوم در آخر هفته خود را به مرکز یا موسسه‌ای که برای آموزش و پرورش تاسیس شده معرفی می‌نماید. در ایران می‌توان این مدت رااز ظهر پنج شنبه تا صبح شنبه قرار داد که در این مدت، طبق برنامه‌ای دقیق بایستی آموزشهای لازم به محکوم داده شود. این مدت، دو روز حبس، حساب می‌گردد. البته برای اجرای این روش باید موسسات و مراکز خاص تاسیس گردد. در مورد شرایط بزهکارانی که تحت این نوع کیفر قرار می‌گیرند، دادگاهها باید اخلاق و رفتار و شخصیت بزهکاران نوجوان را در نظر بگیرند و این سیستم را فقط در مورد کسانی اعمال کنند که استعداد و آمادگی کافی برای پذیرش آن داشته، ظرف یک یا چند روز محرومیت از آزادی به اندازه کافی تنبیه شده و از ارتکاب جرم خودداری نمایند؛ زیرا به خوبی معلوم است که مجرمین به عادت و کسانی که شخصیت و طرز تفکرشان، اجازه استفاده از چنین رژیمی را نمی‌دهد، نه تنها شخصاً از آن بهره‌ای نخواهند برد بلکه موجبات فساد سایر صغار نگهداری شده را نیز فراهم خواهند آورد.

نتیجه گیری

در بحث مسئولیت اخلاقی در مجازاتهای مرتبط با کودکان در اسناد بین المللی در درجه اول به عواملی توجه شده است که در اطراف کودکان وجود دارد و باید دانسته، درصدد اصلاح آنها بر آمد. چرا که انسان، موجودی تربیت‌پذیر است و تلاش و اندیشه والدین، مربیان و مسؤولین برای ایجاد تغییر در این گروه از اطفال، مؤثر خواهد بود. علاوه بر این بر خلاف شخص بزرگسال که شخصیت او شکل گرفته است، صغیر، شخصیتی در حال تکوین دارد و لذا اصلاح وی سهل‌تر از فرد بزرگسال است. بنابراین نوع برخورد جامعه با صغار بزهکار، اهمیتی فوق‌العاده می‌یابد و می‌تواند به گونه‌ای قاطع، سرنوشت ایشان را در آینده‌ای نه چندان دور رقم بزند؛ واکنش نامناسب و غیر منطقی، از آنان، بزهکارانی حرفه‌ای در آینده خواهد ساخت؛ در حالی که واکنشی مناسب و شایسته، آنان را مجدداً به آغوش اجتماع باز خواهد گرداند و جامعه از آنان به عنوان افرادی شرافتمند استقبال خواهد کرد.

بدین ترتیب هدف از واکنش نسبت به بزهکاری اطفال تمرکز بر مسئولیت اخلاقی، اصلاح بزهکار و باز اجتماعی کردن وی می‌باشد. واکنش متخذه در برابر طفل باید از صورت تحمیل مجازات خارج شود و اصلاح و تربیت بزهکار را مورد نظر قرار دهد. همیشه قاضی اطفال باید این نکته را مدنظر داشته باشد که اولین قربانی و در بسیاری موارد، تنها قربانی بزهکاری نوجوان متخلف، خود او می‌باشد. اما به جهت ایرادات متعددی که از جهت انسانی و جرم شناختی بر مجازات سالب آزادی وارد است، این مجازات، نه تنها اثر اصلاحی در مورد بزهکاران نوجوان و بحث مسئولیت پذیری اخلاقی و کیفری نخواهد داشت، بلکه آنها را فاسدتر و ناسازگارتر می کند. البته حذف مجازات حبس و برچیدن موسسات بسته نگهداری نیز ممکن نیست، اما در هر حال باید از این مجازات به عنوان آخرین چاره و برای کوتاهترین زمان ممکن استفاده کرد. اسناد بین‌المللی نیز بر این امر تأکید دارند. تاکیدات اسناد بین‌المللی در این خصوص موجب ایجاد اصل «آخرین اقدام ممکن» شده است؛ به این معنا که حکم محرومیت از آزادی نباید مورد استفاده قرار گیرد مگر اینکه هدف بازپروری نوجوان، به نظر قاضی، به شیوه دیگری غیر از حبس، تحقق نیابد. این چنین است که جهت دوری از مجازاتهای سالب آزادی، بحث جایگزین کردن آنها و استفاده از مجازاتهای جایگزین حبس اهمیت می‌یابد. کیفرهای جایگزین اگرچه از جهت آموزه‌ای به یکصد و اندی سال پیش، یعنی پیش از ظهور مکتب تحققی حقوق جزا بر می‌گردند، لیکن به طوری جدی و در عمل، عموماً از دهه ۱۹۷۰ میلادی، مطرح شده‌اند و منظور از آنها بدیل‌هایی است که یا در دادنامه

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.5]

کیفری و یا پس از صدور حکم و در مرحله اجرای مجازات مطرح می‌شوند و عبارتند از اراده قاضی مبنی بر کنار گذاشتن زندان در زمان صدور حکم یا تحدید مدت حبس در زمان اجرای آن. یقیناً استفاده از مجازات های جایگزین چه تدابیر مربوط به چگونگی اجرای مجازات زندان مانند نظام نیمه آزادی، زندان باز، حبس در منزل و کیفرهای پایان هفته ای، چه تدابیری که هدف از آنها اجتناب از اجرای تمام یا قسمتی از حکم مجازات زندان می‌باشد مثل تعلیق و آزادی مشروط و چه مجازاتهایی که به‌طورکلی از مجازات حبس، منفک شده و به عنوان کیفر اصلی، جایگزین زندان می‌شوند مانند جزای نقدی، خدمات عام المنفعه و... با داشتن آثار مثبتی همچون جدا نکردن طفل از خانواده، پیشگیری از تکرار جرم و مفاسد مجازات حبس و ممکن ساختن اصلاح وضع اخلاقی و تربیتی بزهکار، نیازمند بذل توجه خاص قانونگذار بوده، باید با تدوین قانونی مناسب، نسبت به اجرای آنها به جای مجازات سالب آزادی در مورد اطفال و نوجوانان بزهکار اقدام نمود. لایحه قضایی تهیه شده توسط قوه قضائیه، تحت عنوان پیش نویس قانون تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان بزهکار، در خصوص طرح برخی مجازاتهای جایگزین، مقررات جدیدی را مطرح نموده و سعی شده که به اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان بزهکار توجه بیشتری مبذول گردد که تصویب آن مطمئناً مفید خواهد بود؛ لیکن محتاج به اصلاحات و اضافاتی نیز هست که بررسی بیشتر توسط مسؤولین را می‌طلبد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در پژوهش حاضر حق معنوی مولفین آثار مورد احترام قرار گرفته و قوانین تعارض منافع کاملا مورد توجه قرار گرفته است.

واژه نامه

1. Child right	حقوق کودک
2. Juvenile delinquency	بزهکاری اطفال
3. Judicial system	نظام دادرسی
4. Vulnerable personality	شخصیت آسیب پذیر
5. Moral responsibility	مسئولیت اخلاقی
6. Ethical requirements	الزامات اخلاقی
7. Determinism	جبرگرایی
8. Legal responsibility	مسئولیت قانونی
9. Competency	شایستگی
10. Moral character	شخصیت اخلاقی
11. Criminal character	شخصیت بزهکار
12. Criminal liability	مسئولیت کیفری
13. Moral system	نظام اخلاقی
14. Verbal sanction	مجازات شفاهی
15. Care with electronic devices	مراقبت با دسنگاه الکترونیک

References

1. United Nations Children's Fund (UNICEF). Universal Convention on the Rights of the Child along with three additional protocols. 1st ed. Tehran: Ministry of Justice. 2021. (In Persian).
2. Jahanbakhshi H, Rahman Setayesh M, Fazl Ollahi S. Jurisprudential and legal foundations of educational violence in dealing with delinquent children. International Legal System, 2020; 13(50): 215-229. (In Persian). Doi: 10.30495/alr.2021.683832
3. Hamdi K, khalili kisomi M, Vazifeh Doust H, Hosseinzadeh Lotfi F. Bank Ethical Responsibility to Compensate for Services Failure and Its Revival. Int. J. Ethics Soc 2021; 2(4): 18-27. Doi: 10.52547/ijethics.2.4.18
4. Hoseinzadeh Yazdi M, Tahari M. Social and ethical responsibility against social determinism. Ethics in Science and Technology 2019; 14 (1) :5-11. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1398.14.1.2.1
5. Mohammadi S, Jafari M, Azadbakht F. Principle of prohibition of harmful use of land and dealing with environmental damage of fine dust in international law with emphasis on the moral responsibility of countries. Ethics in Science and Technology 2023; 17 (4) :58-65. (In Persian). Dor: 20.1001.1.22517634.1401.17.4.9.5
6. Barahani M. Dictionary of psychology. 1st ed. Tehran: Farhang-Moaser Publication. 1993.
7. Reymond G. Applied criminology. Translated by Keinia M, 11th ed. Tehran: Majd Publication. 1991. (In Persian).
8. Abachi M. Criminal rights of children in United Nations documents. 1st ed. Tehran: Majd Publication. 2001. (In Persian).
9. Mousavi Mojab SD, Rafizade A. The scope of criminal liability of legal entity in the Islamic penal code. *Journal of Criminal Law Research*, 2016; 4(13): 147-169. doi: https://doi.org/10.22054/jclr.2016.2408
10. General Administration of Judicial Education of Iran. Answers and questions from the Referendum Commission and Legal Advisors of the Supreme Judicial Council. 1st ed. Tehran: Ministry of Justice. 1984. (In Persian).
11. Shambiati H. Children and juvenile delinquency. 7th ed. Iran/Tehran: Zhobin Publication. (In Persian).
12. Oloomi R. Young criminals. 2nd ed. Iran/Tehran: Amirkabir Publication. (In Persian).
13. Golparvar H. Comparative study of criminal responsibility and juvenile proceedings in Iranian and British law. [M.A thesis]. Qom: Qom Higher Education Complex. 1999. (In Persian).
14. Mohammadbeyki A, Asady H, Alhoei N. Comparative study of the criminal liability of children and adolescents in the Islamic Penal Code approved in 1995 and 2011. Journal of Fiqh 2022; 2(4): 27-54. (In Persian).
15. Ashoori M. Alternatives to prison or intermediate punishments. 1st ed. Tehran: Gerayesh Publication. 2013. (In Persian).
16. Ancel M. Le defense sociale. Translated by Ashoori M, Najafi Abrandabadi A. 3rd ed. Iran/Tehran: Tehran University Press. 1996. (In Persian).
17. Bouloc B. Penologie. Translated by Najafi Abrandabadi A. 2nd ed. Iran/Tehran: Majd Publication. 1996. (In Persian).
18. Salahi J. Criminology. 2nd ed. Iran/Tehran: National University Press. 2019. (In Persian).

[DOI: 10.22034/ethicsjournal.19.4.5]
فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نوزدهم، شماره ۴، ۱۴۰۳

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2026-11-22]